

# مفتاح المیزان

جلد ۱

تألیف

علیرضا میرزا محمد

کلانتر

## نقدی بر

# مفتاح المیزان

## رؤیا برادر

با توجه به زحمات بسیار زیاد و قابل تقدیری که تاکنون در این خصوص انجام پذیرفته است متأسفانه فهرستهای منتشرشده به علت عدم آشنایی دست اندرکاران با روشهای علمی و تخصصی تهیه این گونه فهارس، از کیفیت و جامعیت لازم، بویژه با توجه به ارزش و اهمیت محتوایی تفسیر المیزان، برخوردار نیستند.

لذا به منظور آشنایی با برخی نکات و مسائل موجود در کتاب مفتاح المیزان، در این مقاله، فهرست موضوعی این کتاب را مورد ارزیابی کلی قرار می دهیم که بسیاری از موارد آن در دیگر فهرستهای کتاب نیز قابل بررسی است. کتاب مفتاح المیزان در مجموع شامل یک مقدمه در ۹۹ صفحه و دوازده فهرست است که مختصات مربوط به هر فهرست و روش به کار گرفته شده در تهیه آنها با رعایت ترتیب در بخش مقدمه قید شده است. این دوازده فهرست عبارت است از:

- ۱- فهرست مباحث، ۲- فهرست موضوعات، ۳- فهرست اعلام اشخاص، ۴- فهرست اماکن و بلاد، ۵- فهرست قبایل و امم و فرق و جماعات، ۶- فهرست ادیان و

میرزا محمد. علیرضا. مفتاح المیزان. (تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷). ج ۳، وزیری.

مفتاح المیزان اثر علیرضا میرزا محمد مجموعه ای از فهرستهاست که به منظور دسترسی به موضوعات و عناوین تفسیر گرانقدر المیزان، اثر استاد علامه سید محمدحسین طباطبائی - رضوان الله علیه - تهیه شده است.

پس از ترجمه تفسیر المیزان به زبان فارسی تاکنون دو فهرست راهنما برای این مجموعه نفیس تهیه شده که کتاب اول تحت عنوان راهنما و فهرست ترجمه المیزان فی تفسیر المیزان از الیاس کلانتری در ۳۹۹ صفحه توسط انتشارات وفا در سال ۱۳۶۱ منتشر شده است. این کتاب، فهرستی بر ترجمه فارسی ۴۰ جلدی تفسیر المیزان است. کتاب دوم مجموعه ۳ جلدی مفتاح المیزان است که به دنبال انتشار ترجمه فارسی ۲۰ جلدی تفسیر المیزان توسط مرکز نشر فرهنگی رجاء در سال ۱۳۶۷ منتشر گردیده است.

مذاهب و مکاتب، ۷- فهرست وقایع و ایام، ۸- فهرست کتب و رسالات و مجلات، ۹- فهرست اصطلاحات و لغات و ترکیبات و تعبیرات، ۱۰- فهرست اسامی جانوران و گیاهان و کانی ها ۱۱- فهرست اسامی اصنام و ملائکه و تعبیر مشابه دیگر، ۱۲- فهرست اشعار عربی بر حسب حرف آخر.

در ارزیابی نمایه موضوعی این کتاب و همچنین رابطه آن با دیگر فهرستهای موجود در کتاب، در این نوشته ابتدا به طور نمونه نکاتی در خصوص دو فهرست «اصطلاحات و لغات و ترکیبات و تعبیرات» و «اعلام و اشخاص» و رابطه آنها با «فهرست موضوعی» مطرح گردیده است که طرح این مسأله رابطه نزدیک و در بعضی مواقع تداخل فهرستها در کاربرد واژه ها و موضوعات یکسان را مشخص می سازد. سپس در قسمتی دیگر، با توجه به نکات مورد نظر در بررسی و ارزیابی نمایه ای، مواردی چند از «فهرست موضوعات» مورد بحث قرار گرفته است.

### نگاهی به فهرست موضوعات؛ فهرست اصطلاحات و لغات و...؛ و فهرست اعلام و اشخاص.

اگرچه در مقدمه کتاب توضیحات مفصلی به طور جداگانه در خصوص «فهرست موضوعات» و «فهرست اصطلاحات و لغات و ترکیبات و تعبیرات» ارائه شده است ولی در مجموع نهایتاً نیز دلیل روشن و قابل قبولی برای این تفکیک و جداسازی ارائه نگردیده است. بخصوص در مواردی که واژه ها و موضوعات یکسان در هر دو فهرست موجود است؛ به طور مثال واژه «زن» هم در فهرست موضوعات به کار رفته و هم در فهرست اصطلاحات و... حال تفاوت این دو کاربرد به چه دلیل بوده و یا هدف از جداسازی در تعبیر و معانی این واژه به چه صورت بوده است همان چیزی است که در مقدمه، اطلاعات لازم در باب آن داده نشده است. اما با

مقایسه شماره های ارجاع داده شده در مقابل این دو واژه در هر دو فهرست، یک مورد مشترك نیز در این شماره صفحات مشاهده می گردد. مثال دیگر در همین مورد، واژه «روزه» است که اگرچه شماره صفحات ارجاع داده شده مقابل آن در دو فهرست متفاوت می باشد اما نکته قابل توجه اینکه در فهرست اصطلاحات و تعبیرات روزه = صوم، منظور شده است و در مقابل صوم [روزه، صیام] یکی از شماره های ارجاعی: ج ۲: ۵- ۱۶ است که این مبحث در جلد دوم کاملاً به بحث پیرامون موضوع روزه می پردازد، لذا کاربرد آن در فهرست اصطلاحات و تعبیرات بجا و درست به نظر نمی رسد. همچنین موارد بسیار زیاد دیگری از این گونه واژه های یکسان در هر دو فهرست از قبیل حج، حدیث، مرگ، و... نیز قابل مشاهده و بررسی است.

به طور کلی این تفکیک و جداسازی یکی از عمده ترین اشکالات موجود در این فهرستهاست که هیچ گونه رابطه ای نیز بین آنها برقرار نگردیده است و همان گونه که در مقدمه کتاب نیز بیان شده، از آنجایی که فهرستهای مختلف کتاب مفتاح المیزان توسط افراد مختلف یادداشت برداری شده است (صفحات پنجاه و یک و نود و چهار مقدمه) چنین به نظر می رسد که هیچ گونه هماهنگی و یکدست سازی در انجام کار وجود نداشته است. چنانچه اگر جوینده ای در باب موضوع «زن» در تفسیر المیزان از کتاب مفتاح استفاده نماید، بدیهی است که با مطالعه بخش مقدمه، به فهرست موضوعات مراجعه نموده و شماره های مربوط را یادداشت می نماید که متأسفانه بدین ترتیب به وضوح بسیاری از موارد مربوط در این موضوع، آن گونه که در فهرست اصطلاحات قید شده است، بازیابی نخواهد گردید و در نتیجه این جستجو دارای ریزش کاذب بسیار خواهد بود.

لذا پیشنهاد ما این است که در ابتدایی ترین روش برای

می توان از واژه های «آیه»، «آیات»، «ادب» و «آداب» نام برد که همه آنها به صورت مدخل اصلی در فهرست به کار رفته است.

همچنین اگر چه فهرست اعلام اشخاص و فهرست موضوعات از یکدیگر جدا می باشند و فهرست موضوعی نیز در برگیرنده اسامی اشخاص است، اما کاربرد اسامی در این فهرست بر اساس روشهای موجود در اصول نمایه سازی، که علت این تفکیک را (به طور مثال کاربرد موضوعی اسم شخص در فهرست موضوعی) روشن و مشخص می سازد، نیست.

به طور مثال می توان از شماره ارجاع شده در مقابل واژه «فاطمه زهرا - ع -» (ج ۱ : ۱۹۰) در فهرست اعلام و اشخاص نام برد که در مطب ارجاع داده شده فاطمه زهرا - ع - به صورت موضوع مطرح شده است.

نکته قابل توجه اینکه به علت ناهماهنگی موجود، شکل این اسامی نیز در دو فهرست («اعلام و اشخاص» و «موضوعات») به یک صورت و یکسان نیست؛ مثلاً حضرت فاطمه - ع - در فهرست موضوعات به صورت «فاطمه - ع -» و در فهرست اعلام و اشخاص به صورت «فاطمه زهرا - ع -» عنوان گردیده است.

#### نکاتی چند در باب «فهرست موضوعات»

به طور کلی در این فهرست، موضوعات به صورت مدخلهای اصلی به ترتیب الفبایی حرف به حرف ضبط گردیده است و ذیل هر مدخل اصلی موضوعات فرعی نیز به صورت زیربخش به روش الفبایی تنظیم شده است که در مقابل هر کدام، کد ارجاع مربوطه قرار داده شده است.

علی رغم توضیحات کلی در خصوص شیوه تهیه و تنظیم فهرست موضوعات در مقدمه کتاب، هیچ گونه اشاره ای به چگونگی استفاده از این فهرست و یا ارائه یک یا چند مثال در مقدمه نشده است؛ یعنی در واقع مقدمه تنها به شیوه تدوین فهرست پرداخته است و هیچ گونه راهنمایی

رفع این نقصه اساسی، این دو فهرست در یکدیگر ادغام و تحت عنوان «فهرست موضوعات» یکجا در مفتاح المیزان قابل بازیابی گردند.

همچنین - همان گونه که در مقدمه کتاب مطرح گردیده است (ص پنجاه و سه) - فهرست موضوعات بر اساس عناوین موضوعی مندرج در فهرست مباحث، یادداشت برداری و تنظیم و تدوین شده است و اکثراً موضوعات کلی مورد بحث در تفسیر المیزان را در بر گرفته است؛ لذا کاربرد واژه «فهرست موضوعی» در این کتاب در حقیقت به همان معنا و کاربرد آن در دیگر فهرستهایی که برای ارائه فهرستهای موضوعی متون مورد استفاده قرار می گیرند، نیست. لذا این فهرست موضوعی که بر اساس فهرست اول این کتاب یعنی «فهرست مباحث» تهیه گردیده است، بیشتر شبیه به فهرست مندرجات است و موضوعات آن به صورت منتخبی از عناوین «فهرست مباحث» می باشد. همچنین انتخاب موضوعات در این فهرست نیز بر اساس ساختار زبانی به کار رفته در «فهرست مباحث» است، لذا در انتخاب موضوعات از الگوی خاص و یا اصطلاحنامه و سر عنوان موضوعی استفاده نشده است که این خود نیز یکی دیگر از اشکالات موجود این فهرست است که ناهماهنگی بسیار در انتخاب موضوعات به وجود آورده است؛ به طور مثال واژه های «آسمان»، «زمین»، «آسمان و زمین» هر کدام به عنوان مدخل اصلی به طور جداگانه به کار رفته است و تنها از هر دو واژه «آسمان و زمین» و «زمین» به یکدیگر ارجاع نیز نگاه کنید، داده شده است.

نکته دیگر کاربرد واژه های مشابه به صورت جمع و مفرد است که باز هم باعث پراکندگی مطالب شده است، با توجه به اینکه تفکیک مطالب نیز در شماره صفحات ارجاع داده شده مشخص نگردیده است؛ به طور مثال

برای نحوه جستجو در متن و شیوه استفاده از آن ارائه نشده است.

در مورد کاربرد واژه‌ها به صورت فارسی و یا عربی در قسمت مقدمه این گونه بیان شده است که: «مترادفات به مشهورترین آنها و حتی الامکان کلمات فارسی به مترادفات عربی یا قرآنی آنها ارجاع داده شده است» (ص پنجاه و چهار). اما علی‌رغم این توضیح در بخش فهرست موضوعی باز هم واژه‌هایی مانند تفویض ← اختیار؛ روح و جسم ← تن و روان؛ اهل ذمه ← اهل کتاب؛ و تفرقه ← اختلاف، به کلمات فارسی ارجاع شده است.

همچنین واژه‌های دیگری مانند دوزخ، اهل ← اهل جهنم؛ اموال ← مال حلال (!؟) را نیز می‌توان نام برد.

همچنین با توجه به توضیح ارائه شده در مقدمه مبنی بر اینکه: «در این فهرست حتی المقدور سعی شده است برای هر موضوع اصلی و فرعی عنوانی کوتاه و مناسب انتخاب شود.» (ص پنجاه و چهار مقدمه)، اکثر موضوعات انتخاب شده در فهرست بسیار طولانی‌تر از موضوعات مناسب به کار رفته در این گونه فهرست‌هاست؛ فی‌المثل واژه‌های «علت و معلول، انتساب معلولات مادی به خدا»؛ «عمل - سنخیت میان عمل و جزا»؛ «معراج - تقسیم بندی جزئیات معراج»؛ قسم - نهی از قسم ناحق».

همچنین نکته قابل توجه دیگر اینکه در انتخاب موضوعات فرعی تکرار کلمات از همان موضوع اصلی بسیار به چشم می‌خورد که این مسأله نه تنها از نظر کار چاپ بسیار زاید و غیر ضروری است بلکه باعث افزایش حجم کلمه‌ها در کنار کدهای ارجاعی است که بازیابی موضوع مورد نظر را برای جستجوگر بسیار دشوار می‌سازد؛ به طور مثال به چند موضوع فرعی به کار رفته در ذیل مدخل‌های اصلی می‌توان اشاره کرد: بدین ترتیب که در تقسیمات فرعی باز هم واژه اصلی تکرار گردیده است:

## ارث

- تحول تدریجی ارث
- ظهور ارث
- قوانین جدید ارث

## ذوالقرنین

- خصوصیات ذوالقرنین
- سلطنت ذوالقرنین
- قصه ذوالقرنین در قرآن

## زن

- آزادی زن ← زن - حریت زن
- آزادی زن در تمدن غرب
- اطاعت زن از همسر

و اما در خصوص ارائه موضوعات فرعی: همان گونه که قبلاً نیز مطرح گردید مدخل‌های اصلی دارای موضوعات فرعی (بیانگر) هستند و ذیل اکثر شناسه‌های موضوعی تقسیمات فرعی بسیاری درج گردیده است. اما از آنجایی که در انتخاب موضوعات و همچنین بیانگرها از اصطلاحنامه و یا سرعنوان موضوعی و حتی متنی مشخص استفاده نشده است لذا ناهماهنگی زیادی در انتخاب مدخل‌ها و موارد مشابه در فهرست به چشم می‌خورد؛ به طور مثال انتخاب واژه‌هایی مشابه مانند «زن»؛ «زنان»؛ «زن در اسلام» بدون ایجاد ارتباط موضوعی با یکدیگر پراکنده‌گی و ریزش اطلاعاتی بسیاری را برای جستجوگر در بازیابی موضوع مورد نظر به وجود خواهد آورد.

اما در ذیل همین مدخل‌ها نیز در انتخاب موضوعات فرعی، یکدستی و هماهنگی نیز وجود ندارد و هر یک از موضوعات فرعی به صورت سلیقه‌ای و برحسب عنوان انتخاب شده در فهرست مباحث انتخاب گردیده است؛ به عنوان نمونه با توجه به اینکه موضوع «زن» در تفسیرالمیزان

در اصل بیانگر خصوصیات و مسائل مربوط به زن در اسلام است و ذیل این موضوع در قرآن نیز احکام و حقوق زن مسلمان مطرح شده است. اما در مفتاح المیزان موضوعات انتخاب شده ذیل این دو مدخل یکسان و یکدست نبوده و اگرچه موضوع «آزادی زن»؛ «ارج نهادن بر زن» و «اطاعت زن از همسر» در ذیل واژه «زن» قابل بازیابی است ولی هیچ کدام از این تقسیمات فرعی که از مباحث اصلی مورد بررسی ذیل موضوع «زن در اسلام» می باشند به عنوان موضوع فرعی آن انتخاب نشده است، لذا قابل بازیابی نیستند. همچنین انتخاب واژه هایی مانند «آداب»؛ «افعال» و «اعمال» به طور جداگانه نیز از همین نوع پراکندگی و ناهماهنگی فهرست است.

با توجه به اینکه کار بر روی مجلدات مختلف تفسیر المیزان و گردآوری واژه ها و موضوعات توسط افراد گوناگون و به صورت فردی انجام پذیرفته است (صفحه نود و چهار مقدمه) و اصطلاحنامه و سرعنوان مشخصی نیز منبع اصلی جهت انتخاب واژه ها نبوده است، مشکلات و نقایص موجود دقیقاً می تواند منبعث از آن باشد. اما در مورد موضوعات فرعی که خود قابلیت شناسه شدن را داشته اند، باید گفت از آنجایی که این موضوعات بیشتر به صورت اتفاقی و موردی در رابطه با موضوعات گوناگون انتخاب شده و بر اساس مفهوم و معنا کلی و رابطه فیما بین به کار نرفته اند، لذا آن موضوع اگرچه در محل الفبایی خود منظور شده ولی به صورت سرعنوان ارجاعی بوده و به همان موضوع اولیه ارجاع داده شده است؛ مانند توحید در الوهیت ← الله - وحدانیت الله؛ تمدن غرب ← زن - آزادی زن در تمدن غرب (؟)؛ تنازع بقاء ← بقاء - تنازع بقاء و انتخاب طبیعی.

**در خصوص تعداد موضوعات فرعی:** اگرچه تعدادی از واژه ها مانند «قرآن»؛ «محمد بن عبدالله» و «موسی» دارای تقسیمات فرعی بسیار زیاد می باشند ولی در مجموع

تعداد موضوعهای ذیل هر مدخل به نسبت کم بوده و با سنجش تصادفی، نسبت تعداد بیانگرها به مدخلهای اصلی در حدود ۱ به ۶ است که این امر خود می تواند یکی از علل وجود ارجاعات بسیار زیاد در فهرست باشد.

**اما در خصوص شماره صفحات ارجاع داده شده:** به طور کلی با توجه به اینکه شماره صفحات ارجاع شده در مرحله اول، بیشتر حالت فهرست مطالب را دارد و شماره صفحات ابتدا جوینده را به مطالب مندرج در فهرست مباحث ارجاع داده و سپس شماره جلد و صفحه مربوط را نشان می دهد، اما چنین به نظر می رسد که علی رغم تلاش انجام شده در تغییر روش متداول (ارجاع به مطلب اصلی) کمک قابل توجهی به جوینده نمی کند؛ زیرا واژه های به کار رفته شده در فهرست موضوعات و فهرست مباحث تفاوت چندانی با یکدیگر نداشته و فهرست مباحث نسبتاً جنبه توصیفی بر فهرست موضوعات ندارد. در این خصوص بهتر است به بخشی از توضیحات ارائه شده در مقدمه کتاب در ذیل مطالب مربوط به فهرست موضوعات اشاره گردد. در این قسمت، علت تغییر روش در شماره صفحات ارجاع داده شده در این کتاب (یعنی اولین شماره صفحه مربوط به فهرست مباحث و شماره های دیگر مربوط به جلد و صفحه مربوطه است. به طور مثال: برزخ: ۱/۲۴ - ۵۱۱ - ۵۱۴ و ۳۱۴: ۱۵/۱۰۸) را بدین گونه مطرح کرده است.

«اگر در این فهرست همانند دیگر فهرس تنها به ذکر شماره مجلدات و صفحات المیزان اکتفا می کردیم، اولاً می بایست بسیاری از عناوین طولانی مذکور در فهرست مباحث را خواه منقول از ترجمه المیزان بوده باشد یا منتخب نگارنده، عیناً در فهرست موضوعات بیاوریم که با اصول کلی روش ما منافات داشت. ثانیاً دست یافتن به مباحث مربوط به آن دسته از مدخلهای اصلی و فرعی منتخب که در المیزان بدون عنوان است بجز از طریق فهرست مباحث ابهام آمیز و غیر منطقی می

نمود. ثالثاً از آنجا که پاره ای از عناوین بر بیش از یک موضوع اشتغال دارد و غالباً در جوف موضوع اصلی نهفته است و شماره صفحه آنها در المیزان با عنوان اصلی همسان نیست، به منظور سهولت در مراجعه و دریافت اطلاع صحیح و کافی اتخاذ چنین روشی مناسبتر تشخیص داده شد. رابعاً بسیاری از عناوین کلی با زیرعنوانهایی در فهرست مباحث آمده که برای برخی از این زیرعنوانها انتخاب موضوع یا میسر نبوده و یا ضرورت نداشته است. در چنین مواردی دقیقاً می توان عنوان اصلی و جزئیات آن را با ذکر جلد و صفحه المیزان در فهرست مباحث از نظر گذراند بی آنکه نکته ای از دید اهل تحقیق پوشیده ماند. البته گاهی ممکن است در میان زیرعنوانهای هر موضوع در فهرست مباحث، موضوعات مستقل دیگری وجود داشته باشد که در این صورت عناوین آنها با ذکر نشانی در فهرست موضوعات درج شده است. «(ص پنجاه و سه و پنجاه و چهار مقدمه)

در اینجا لازم است به نکاتی درباره هر یک از موارد مطرح شده در فوق اشاره گردد:

در مورد اول اینکه اگر چنانچه در این فهرست نیز همانند دیگر فهرس تنها به ذکر شماره مجلدات و صفحات المیزان اکتفا می شد، می بایست بسیاری از عناوین طولانی قید شده در فهرست مباحث عیناً در فهرست موضوعات می آمد، دلیل منطقی به نظر نمی رسد. زیرا اصولاً فهرستهای موضوعی کتابها معمولاً با وجود فهرستهای مطالب و مباحث اکثراً طولانی، تهیه شده و به طور کلی اهمیت و ارزش تهیه فهرستهای موضوعی، در انتخاب و درج واژه های کوتاه و مناسبی است که گویای روشن و صریح عناوین و مطالب طولانی باشند.

در مورد دوم نیز که اشاره به مدخلهای اصلی و فرعی بدون عنوان در المیزان شده است، حاکی از عدم آشنایی

کافی با نحوه تهیه فهرستهای موضوعی از طریق انتخاب واژه و موضوعات مربوطه از درون متن و یا با استفاده از اصطلاحنامه مربوطه برای بیان محتوای مطالب و قسمتهای مختلف کتاب است؛ زیرا تنها یکی از روشهای تهیه فهرستهای موضوعی، استفاده از عناوین در تهیه نمایه مورد نیاز می باشد.

در مورد سوم (ثالثاً) باز همان مشکل بالا نیز به نحو دیگری مطرح شده است که می توان اظهار داشت انتخاب موضوعات نیز می توانست به صورت مستقل با توجه به موضوعات نهفته در مطالب اصلی انتخاب گردد، به طوری که جوینده به راحتی بتواند در کمترین زمان از طریق ارجاع مربوطه به مطلب مورد نیاز در همان جلد تعیین شده دست یابد، بدون آنکه عنوان کلی و یا موضوع اصلی بیان شده در فهرست مباحث اهمیت چندانی برای وی داشته باشد.

در مورد چهارم (رابعاً) نیز باز مطالب تکراری است و در حقیقت هر کس می تواند بدون مراجعه به بخش فهرست موضوعات، با نگاهی به فهرست مباحث و یا مطالب هر کتاب به مباحث و موضوعات عمده و کلی آن کتاب پی ببرد و به طور کلی شاید همان گونه که قبلاً نیز اشاره گردید به علت عدم آشنایی کافی با تکنیکهای تهیه فهرستهای موضوعی، علی رغم تلاش و زحمات بسیار زیاد دست اندرکاران در تهیه این فهرست، این مجموعه از کارایی لازم در بازیابی موضوعات کتاب جامع تفسیر المیزان برخوردار نیست، ضمن آنکه زمان غیر ضروری را نیز نسبت به دیگر فهرس جهت بازیابی موضوعات نیاز دارد.

#### **نگاهی به ارجاعات نیز نگاه کنید:**

در این خصوص هم بدیهی است که به علت ناهماهنگی و ارتباط نامشخص در بین واژه های انتخاب شده، نقایص و مشکلات زیادی در فهرست به چشم می خورد. عمده ترین مسأله اینکه در اکثر ارجاعات نیز نگاه

کنید رابطه دو طرفه وجود ندارد؛ مانند:

«حکمت» نیز — علم و ادراک — الفاظ علم و ادراک در قرآن، ارجاع متقابل وجود ندارد.

«مشرکین» نیز — «شُرک»؛ «شُرک در عبادت»؛ «کفار» که تنها در دو مورد واژه «شُرک» و «کفار» ارجاع نیز نگاه کنید به مشرکین وجود داشته و اما از واژه «شُرک در عبادت» ارجاع متقابل به «مشرکین» داده نشده است.

دین نیز — شریعت؛ ملت که واژه ملت ارجاع متقابل به دین ندارد.

اصولاً نوع ارتباط «ارجاعات نیز نگاه کنید» در این فهرست مشخص و تعریف شده نیست؛ به طور مثال می توان از ارجاع نیز نگاه کنید دین به ملت و همچنین اخوت نیز — اصحاب کهف و «ابراهیم» نیز — انبیاء - وحی و انبیاء نام برد.

ارجاعات متعدد و غیر لازم یکی دیگر از موارد قابل ذکر در این فهرست است. در یک آمار که به طور اتفاقی از ۵ صفحه به طور نمونه از فهرست موضوعات به دست آمده، نتایج ذیل حاصل گردیده است.

تعداد ارجاعات	تعداد مدخلهای اصلی
۲۶	۱۳
۲۲	۱۸
۲۲	۸
۲۱	۱۳
۱۰	۲۵

لذا درصد ارجاعات نسبت به مدخلهای اصلی ۱۳۱٪ است و این رقم نشانگر آن است که در برابر هر مدخل اصلی بیش از یک ارجاع وجود دارد و این مسأله نیز با یکبار ورق زدن فهرست موضوعات به صورت بسیار عینی قابل مشاهده است. البته بسیاری از این ارجاعات غیر ضروری و تنها باعث افزایش حجم فهرست شده است و در حقیقت دامنه مطلوبی را گسترش نداده است.

همچنین در بعضی موارد واژه های ارجاع داده خود به واژه های دیگری ارجاع شده اند مانند قصص انبیاء — قصص قرآن؛ قصص قرآن — آدم؛ آدم و حواء.

در این فهرست اصل بر زبان طبیعی است و همان گونه که قبلاً نیز بیان شده است به علت عدم استفاده از واژه های هماهنگ، هیچ گونه یکدستی در انتخاب این زبان طبیعی به کار گرفته نشده است. در بعضی موارد از واژه های عربی به فارسی ارجاع داده شده است؛ مانند: صلاة — نماز؛ شعراء — شاعران راستین؛ حریت — آزادی. و در بعضی موارد از واژه های فارسی به عربی ارجاع شده است؛ مانند: تهمت — افک؛ جنگ — جهاد؛ اسیر جنگی؛ رشوه — سحت.

در بسیاری موارد انتخاب واژه ها گنگ و غیر طبیعی است مانند زوجیت طبیعی؛ فرهنگ جهاد — جهاد - امور لازم الاجراء در جهاد؛ کرامت — انسان - تکریم انسان؛ خوارق عادت. کبیره — گناهان کبیره که هدف از کاربرد لغات و معانی در این گونه مدخلهای مشخص نیست.

در خاتمه، امید است با تجدیدنظر کلی در این مجموعه سه جلدی و بهره گیری از روشهای علمی و تخصصی موجود به قول استاد حسن زاده آملی در تقریظ ایشان در خصوص مفتاح المیزان (قبل از مقدمه کتاب): «کتاب کریمی موسوم به مفتاح المیزان که در انواع فهرست مطالب آن دائرة المعارف قرآنی، شریفه «والقی الی کتاب کریم» درباره آن ناطق باشد و به سالکان طریق سعادت و علم عرضه دارد.